ایران ورزشی

روزنامه صبح ایران ● سال سی‌ام ● سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ ● 3 Nov 2026 ● ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ ● شماره ۸۲۵۴ ● ۱۰هزار تومان

www.inn.ir/sport | iranvarzeshii







شاگردان سهراب
در اندیشه شکست سومین حریف قطری

استقلال آماده برای صعود

چشمی به جای آشورماتوف در خط دفاع

۷

فوتبال ایران یکی از وفادارترین چهره‌هایش را از دست داد

سکوت ابدی نجیب‌زاده

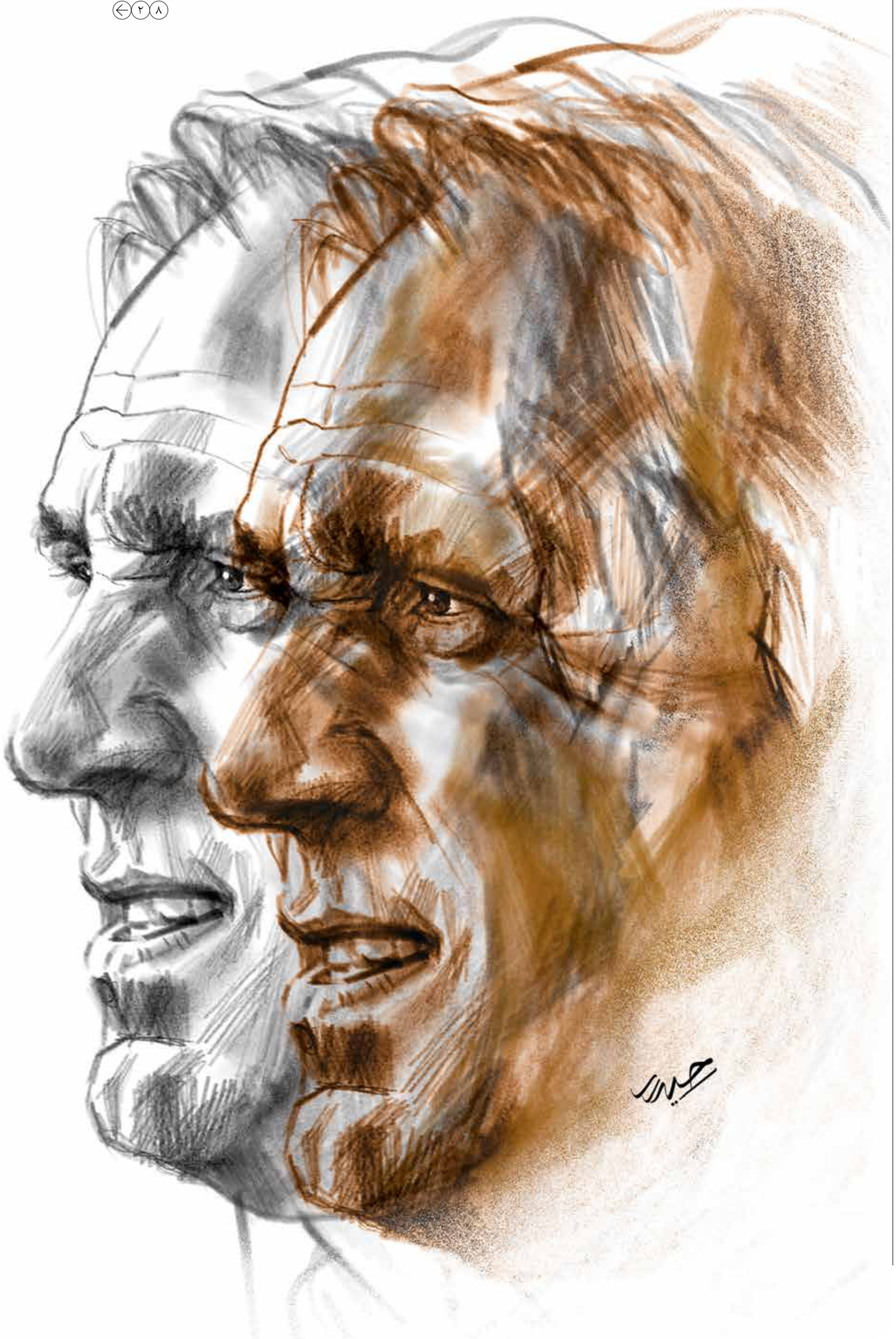
معاون اول رئیس جمهور: علیدوستی در حافظه تاریخی ایران ماندگار شد

بهمن فروتن: حمید مانند عقیق انگشتر بود

ناصر ابراهیمی: حمید همیشه شاگرد ممتاز من خواهد بود

حمید درخشان: علیدوستی جنتلمن واقعی بود

۸ ۲



طرح: هادی حیدری

حبیب جای بیرانوند و حسینی را می‌گیرد؟

تغییر معادلات خط دروازه تیم ملی

قلعه‌نویی باید ۲ گلر را خط بزند

۲

ماجرای پولی که به حساب استقلال خوزستان نرفت

معمای ۳۵۰ هزار دلاری انتقال بیفوما

شکایت از پرسپولیس به فیفا رسید

۵

نقشه کادر فنی پرسپولیس در قائمشهر جواب نداد

بن‌بست در خلق موقعیت

۶

جلسه جدی مسئولان فدراسیون با حسینی

زوج یحیی - مجتبی در تیم امید!

۲

رقابت پولادمردان برای تکرار قهرمانی تیمی در جهان

سخت اما شدنی

نهمی و سیزدهمی بیرانوند و جوادی

۳

سرمقاله

آخرین ترانه



علی جوادی
سردبیر

روزی که حمید علیدوستی مبارزه‌اش با سرطان را «زندگی» خواند، چشم‌هایمان تر شد. آنها که حمید علیدوستی را خوب می‌شناختند، این جمله را هم در کنار تکه‌های دیگر پازل زندگی او قرار دادند. آنها که می‌دانستند او به نیکی آموخته بود با وجود درد، نجیبانه لبخند بزند. عادت به فریاد نداشت. این را همه می‌دانستند. حمید علیدوستی نمونه کامل مردانی بود که اجازه نمی‌دهند زندگی‌شان، آلوده شود. انسان‌هایی که همه چیز را پاک و دست‌نخورده می‌خواهند. وقتی مجبور باشند، مظلومانه به کنج خانه می‌خزند، اما حتی این جفا هم تغییری در زیست آنها ایجاد نمی‌کند.

حمید علیدوستی بدون تلاشی غیرعادی، قهرمان بود، نه از جنس سوپرمن و بتمن. او قهرمان زندگی خودش بود و بت زندگی دختری که او را عاشقانه دوست داشت. مردی که خوب می‌دانست راهی ندارد جز اینکه با مردم جامعه‌اش محترمانه و جنتلمنانه رفتار کند. ظاهر قصه این بود که او خود را در دنیای موسیقی و کتاب‌هایش غرق کرده؛ اما حتی در پس همه این ترنم‌ها، ترانه خودش را دوست داشت و یادش نرفته بود چه تعهد ماندگاری به نزدیکانش دارد.

علیدوستی، مرد آرام، بی‌صدا و پاک این فوتبال، دنیای پرحاشیه و پرهیاهوی فوتبال ما را به خودش واگذار کرده بود چون می‌دانست جنسش با این فوتبال، تناسب و تناسخی ندارد. فوتبال غرق شده در ثروت که سکوت، لبخند و احترام را برخلاف شعارهای نخ‌نما و مرسومش، زیاد هم نمی‌پسندد.

علیدوستی سال‌ها در خانه‌ای که سندش به نام او نبود، بی‌حرص پول و قراردادهای میلیاردی، کنار کتاب‌ها و آلبوم‌های موسیقی‌اش «حال خوب» را تجربه کرد. او «هویت کامل» را نه در کتاب معروف یونگ، که در سبک زندگی حمید علیدوستی تعریف کرد... و حالا آنها که نگران تنهایی حمید در خانه‌اش نبودند، نگران سرنوشت کتاب‌ها و آلبوم‌های موسیقی هستند که دیگر چشم و گوشی، همدم آنها نیست. مرد تنهای فوتبال ما مثل خودش زندگی کرد و مثل خودش رفت؛ دقیقاً مثل حمید علیدوستی.

جهان او با پنجره‌های فراوانی که کتاب‌های جدید فلسفه و شعر به‌سوی دنیاهای ناشناخته باز می‌کرد، شاید برای فوتبال امروز ما قابل درک و فهم و شناخت درست نباشد؛ اما افتخار می‌کنیم که این مرد بزرگ، بخشی پاک‌نشدنی از تاریخ فوتبال ما بود. مردی که اکنون دیگر از درد آزاردهنده بیماری رها شده و در کنار خدا به آرامش رسیده است...، روحش شاد.